

بررسی معنایی سه حرف اضافه ta ، wæ و æra در کردی گورانی از دیدگاه شناختی

پارسا بامشادی^۱، جواد بامشادی^۲، شادی انصاریان^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، ایران

۳. کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

دریافت: ۹۴/۱/۲۹

پذیرش: ۹۴/۶/۱۰

چکیده

در پژوهش پیش‌رو، سه حرف اضافه مکانی ta ، wæ و æra از گویش کردی گورانی را از دیدگاه معناشناسی شناختی بررسی می‌کنیم. یکی از تازه‌ترین گویش‌های مطرح‌شده در بررسی معنایی حروف اضافه، الگوی چندمعنایی سامان‌مند^۱ (تایلر و ایوانز، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲؛ ایوانز و تایلر، ۲۰۰۴، ۲۰۰۴b؛ ایوانز، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶) است که معیارهای کاربردی و روشنی را برای شناسایی معناهای مجزا^۲ و معنای اولیه حروف اضافه پیشنهاد می‌دهد. هدف ما این است که با بهره‌گیری از این الگو، سه حرف اضافه نام‌برده را واکاوی معنایی کنیم و پس از شناسایی معناهای مجزا و معنای اولیه هریک از آن‌ها، شبکه معنایی آن را رسم نماییم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که معنای اولیه wæ «همراهی» است و در شبکه معنایی آن نه معنای مجزا و دو خوشه معنایی^۳ وجود دارد، معنای اولیه ta «پایان» است و در شبکه معنایی آن چهار معنای مجزا دیده می‌شود و معنای اولیه æra «برای و به خاطر» است و شبکه معنایی آن دارای چهار معنای مجزا و یک خوشه معنایی است.

واژگان کلیدی: حروف اضافه، معناشناسی شناختی، الگوی چندمعنایی سامان‌مند، شبکه معنایی، کردی گورانی.

۱. مقدمه

یکی از موضوعاتی که در معناشناسی شناختی بسیار به آن توجه شده، پدیده چندمعنایی^۴ است. ازدید زبان‌شناسان شناختی، چندمعنایی واژگان یک پدیده گسترده و فراگیر در زبان است که در سامانه مفهومی ذهن آدمی ریشه دارد و کاوش برای یافتن معناهای گوناگون واژگان ما را به بینش روشنی از چندمعنایی آن‌ها می‌رساند. برای نمونه، بارسلونا و والنزولا^۵ می‌گویند که از میان ۶۰۰۰۰ مدخل واژگانی در فرهنگ وبستر، ۲۱۴۴۸ مدخل (نزدیک ۴۰ درصد) دو معنا یا بیشتر دارند (Barcelona & Valenzuela, 2011: 25).



در پدیده چندمعنایی، یک واحد زبانی با چندین معنای مجزا و در پیوند با هم ارتباط می‌یابد. دیدگاه چندمعنایی در برابر دو دیدگاه تک‌معنایی^v و همنامی^h مطرح می‌شود. در دیدگاه تک‌معنایی بیش از یک بازنمود معنایی (برای هر واحد زبانی) وجود ندارد، در همنامی میان دو بازنمود معنایی هیچ پیوندی نیست و در چندمعنایی چندین بازنمود معنایی وجود دارد که میان آن‌ها پیوند دوسویه برقرار است (Riemer, 2005: 128).

معناشناسی شناختی همواره نگاه ویژه‌ای به پدیده چندمعنایی و به‌ویژه چندمعنایی حروف اضافه داشته است. از دید معناشناسان شناختی، حروف اضافه نمونه‌های روشنی از چندمعنایی هستند. آن‌ها باور دارند که هر حرف اضافه یک معنای اولیه و کانونی دارد که با گذشت زمان و بر اثر کاربرد آن در بافت‌های گوناگون، دستخوش گسترش معنایی می‌شود و معنای تازه‌ای را می‌پذیرد. ارتباط میان معنای پیشین و معنای تازه این واژه‌ها انگيخته و طبیعی است و از این رو، می‌توانیم پیوند میان معنای گوناگون یک حرف اضافه را در قالب شبکه معنایی نشان دهیم. در شبکه معنایی، معنای اولیه حرف اضافه در کانون قرار می‌گیرد و معنای دیگر در گردها قرار می‌گیرد. به آن پیوند می‌خورند و یک ساختار پرتویی^u را پدید می‌آورند. پیرامون بررسی چندمعنایی حروف اضافه، تاکنون نظریه‌ها و رویکردهای گوناگونی مطرح شده که تازه‌ترین آن‌ها، الگوی چندمعنایی سامان‌مند (تایلر و ایوانز، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳؛ ایوانز و تایلر، ۲۰۰۴a، ۲۰۰۴b؛ ایوانز، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶) است. در این الگو، برای بازشناسی معنای اولیه و معنای مجزای حروف اضافه، معیارهای کاربردی و روشنی پیشنهاد شده است. با شناسایی معنای اولیه و معنای مجزای هر حرف اضافه، می‌توانیم شبکه معنایی آن را رسم کنیم.

از آنجا که تاکنون هیچ پژوهشی پیرامون بررسی معنایی حروف اضافه زبان کردی دیده نشده است، می‌خواهیم برای نخستین بار این کار را با رویکردی شناختی و برپایه الگوی چندمعنایی سامان‌مند روی حروف اضافه گویش گورانی انجام دهیم. گورانی یکی از گویش‌های زبان کردی است که در شاخه کردی جنوبی قرار می‌گیرد. کانون اصلی این گویش در شهرستان دالاهو، در استان کرمانشاه، است. بیشتر گویشوران گورانی در بخش‌های کرندغرب و گهواره از شهرستان دالاهو و به‌ویژه دهستان‌های گوران و بیوه‌نیز هستند. در شهرستان‌های سرپل‌ذهاب و کرمانشاه نیز گویشوران این زبان حضور دارند. این گویش دارای پنج حرف اضافه مکانی است که عبارت‌اند از ta, wæɪ, wæɪ, læɪ و æra که در این پژوهش، تنها سه حرف اضافه ta, wæɪ, wæɪ را واکاوی می‌کنیم. از آنجا که گورانی با گویش‌های دیگر کردی جنوبی و به‌ویژه گویش کلهری نزدیکی و همسانی بسیاری دارد، بیشتر یافته‌های این پژوهش در مورد حروف اضافه گویش‌های دیگر کردی جنوبی نیز صدق می‌کند.

داده‌های پژوهش برپایه شم زبانی نویسندگان که خود گویشور بومی گورانی هستند، گردآوری شده و برای اطمینان از صحت و اصالت آن‌ها، به سه گویشور مسن عرضه و از سوی آن‌ها تأیید شده

است. روش پژوهش توصیفی و تحلیلی و مبتنی بر الگوی چندمعنایی سامان‌مند است. پرسش اصلی پژوهش این است که کدامیک از معناهای سه حرف اضافه *æra*، *ta* و *wæł* در گویش گورانی اولیه و کدامیک مجزا هستند و ارتباط میان این معناها چگونه در قالب یک شبکه معنایی نشان داده می‌شود. این گفتاورد دارای پنج بخش است. در بخش دوم، نگاهی به پیشینه پژوهش‌های انجام شده می‌افکنیم. در بخش سوم، پایگاه نظری پژوهش را معرفی می‌کنیم. بخش چهارم به بررسی معنایی سه حرف اضافه *æra*، *ta* و *wæł*، شناسایی و واکاوی معناهای مجزا و معنای اولیه آن‌ها و نیز رسم شبکه معنایی آن‌ها اختصاص دارد و در بخش پنجم، نتیجه‌گیری می‌کنیم.

۲. پیشینه پژوهش

تا جایی که می‌دانیم، تاکنون پژوهشی پیرامون معناشناسی حروف اضافه کردی انجام نشده و به نظر می‌رسد پژوهش پیش‌رو نخستین گامی است که در این راستا برداشته شده است. با این حال، بررسی‌هایی پیرامون حروف اضافه مکانی زبان فارسی انجام شده که در ادامه، آن‌ها را معرفی می‌کنیم. یوسفی‌راد (۱۳۸۷) حروف اضافه استخراج‌شده از پایگاه داده‌های زبان فارسی (pldb) را بررسی کرده و نشان داده است که حروف اضافه فارسی دارای معناهای گوناگونی هستند که معنای اولیه آن‌ها به کمک سازکارهای شناختی، به ویژه استعاره و مجاز^۱، به معناهای دیگر مربوط می‌شوند و به این ترتیب، شبکه گسترده معنایی حروف اضافه فارسی پدید می‌آید. سراجیان اردستانی (۱۳۸۸، ۱۳۸۹) بررسی معنایی حروف اضافه زبان فارسی را از دید معناشناسی شناختی انجام داده و کوشیده است به کمک مفهوم‌ها و ابزارهای مطرح در معناشناسی شناختی (استعاره، پیش‌نمونه و چندمعنایی)، حروف اضافه فارسی را دسته‌بندی و توصیف و شبکه معنایی آن‌ها را رسم کند. گلفام و همکاران (۱۳۸۸) حرف اضافه «از» فارسی را در چارچوب معناشناسی شناختی بررسی و آن را با رویکرد سنتی مقایسه کرده‌اند. این پژوهشگران دریافته‌اند که به کارگیری شبکه معنایی در تبیین معنایی حروف اضافه، کارآمدتر از روش‌های متعارف سنتی است. زاهدی و محمدی زیارتی (۱۳۹۰) در بررسی شبکه معنایی «از» فارسی، معنای اولیه و معناهای متمایز این حرف اضافه را برپایه الگوی چندمعنایی سامان‌مند شناسایی و دسته‌بندی و شبکه معنایی آن را رسم کرده‌اند. راسخ‌مهند و رنجبر ضرابی (۱۳۹۲) شبکه معنایی دو حرف اضافه «در» و «سر» را از دیدگاه معناشناسی واکاوی کرده‌اند و معنای اولیه و معناهای متمایز این دو حرف اضافه را به کمک معیارهای تایلر و ایوانز (۲۰۰۳) شناسایی و شبکه معنایی آن‌ها را رسم نموده‌اند.

مختاری و رضایی (۱۳۹۲) شبکه معنایی حرف اضافه «با» در زبان فارسی را از دید زبان‌شناسی شناختی بررسی و شبکه معنایی آن را ترسیم کرده‌اند. بامشادی و انصاریان (۱۳۹۳) چندمعنایی حرف «تا» در زبان فارسی را در چارچوب معناشناسی شناختی بررسی کرده‌اند و به کمک الگوی چندمعنایی



سامان‌مند، معنای اولیه و معناهای متمایز آن را بازشناسی، دسته‌بندی و واکاوی نموده‌اند.

۳. پایگاه نظری پژوهش

یکی از دشواری‌های همیشگی در راه شناسایی شبکه معنایی حروف اضافه، این است که هر پژوهشگری در این زمینه رویکرد متفاوتی برای شناسایی معنای اولیه و معناهای مجزای حروف اضافه و سرانجام دستیابی به شبکه معنایی آن‌ها درپیش گرفته است. تایلر و ایوانز (۲۰۰۱) می‌گویند که رویکردهای پیشین به چندمعنایی حروف اضافه، روش مشخص و محدودی برای بازشناسی معنای اولیه و معناهای مجزای حروف اضافه ندارند. آن‌ها برای حل این مشکل، الگوی چندمعنایی سامان‌مند را مطرح کردند که در چارچوب آن، معیارهای روشن و مشخصی برای بازشناسی معنای اولیه و معناهای مجزای حروف اضافه پیشنهاد شده است.

هدف از ارائه الگوی چندمعنایی سامان‌مند که از سوی تایلر و ایوانز (۲۰۰۱) پایه‌گذاری شد و در کارهای تایلر و ایوانز (۲۰۰۳)، ایوانز و تایلر (۲۰۰۴a، ۲۰۰۴b) و ایوانز (۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶) گسترش و پرورش یافت، این بود که ماهیت انتزاعی و دلبخواهی بودن واکاوی‌های این حوزه را به حداقل برسانند و به روشی سامان‌مند و روشن برای این کار دست یابند. الگوی چندمعنایی سامان‌مند انگیزتی را یکی از ویژگی‌های بنیادین معنای واژه‌ها و گسترش معنایی می‌داند. در چندمعنایی سامان‌مند، تلاش می‌شود که روشی سامان‌یافته و انگیزته برای واکاوی معناهای گوناگون یک واژه چندمعنانه ارائه شود. برای این منظور، باید شیوه‌های روشن و قابل تأیید برای شناسایی معناهای مجزای حروف اضافه که به بافت وابسته نباشند و نیز شناسایی معنای اولیه آن‌ها درپیش گرفته شود. الگوی چندمعنایی سامان‌مند به عنوان روشی جایگزین برای دو روش پیشین در دستیابی به شبکه معنایی حروف اضافه پیشنهاد شد. یکی از روش‌های پیشین روش «ویژگی‌نمایی کامل»^{۱۱} لیکاف^{۱۲} (۱۹۸۷) بود و دیگری روش «ویژگی‌نمایی جزئی»^{۱۳} کریترز^{۱۴} (۱۹۹۷).

الگوی چندمعنایی سامان‌مند دو دسته از معیارها را ارائه می‌کند که یکی برای شناسایی معناهای مجزای حروف اضافه به کار می‌رود و دیگری برای بازشناسی معنای اولیه حروف اضافه از میان معناهای مجزای آن‌ها. پیش از پرداختن به این معیارها، باید با دو مفهوم «مسیرپیما»^{۱۵} و «مرزنا»^{۱۶} آشنا شویم. حروف اضافه مکانی واژه‌هایی هستند که برای نشان دادن و بیان موقعیت و جایگاه یک عنصر در برابر عنصر دیگر به کار می‌روند. برای نمونه، هنگامی که می‌گوییم «لیوان روی میز است» یا «دفتر توی کیف است»، جایگاه «لیوان» را در برابر «میز» و جایگاه «دفتر» را در برابر «کیف» نشان داده‌ایم. یکی از این دو عنصر برجسته‌تر از دیگری است و در کانون توجه قرار دارد؛ به سخن دیگر، یکی از آن‌ها پیش‌زمینه است و دیگری پس‌زمینه. برخی زبان‌شناسان شناختی (لانگاکر^{۱۷}، ۱۹۸۳؛ تالمی^{۱۸}، ۲۰۰۰) این

تفاوت در اندازه برجستگی دو عنصر را با مفهوم‌های «زمینه»^{۱۹} و «نگاره»^{۲۰} نشان دادند. برای نمونه، در جمله‌های «تابلو روی دیوار است» یا «گلدان روی میز است»، «دیوار» و «میز» زمینه و «تابلو» و «گلدان» نگاره هستند. لانگاکر مفهوم‌های زمینه و نگاره را با نام‌های مسیریما (TR) و مرزنا (LM) بازآفرینی کرد (Langacker, 1987: 231). به نظر او، هنگامی که رابطه میان دو عنصر بازنمایانده می‌شود، آن‌ها می‌توانند درجات گوناگونی از برجستگی داشته باشند (Ibid, 2008: 70-73). برجسته‌ترین عنصر که مسیریما نامیده می‌شود، عنصری است که در برابر دیگری موقعیت‌سنجی، ارزیابی یا توصیف می‌شود. عنصر دیگر که برجستگی کمتری دارد، مرزنا نامیده می‌شود.

۱-۳. شناسایی معناهای مجزا

تایلر و ایوانز (۲۰۰۱، ۲۰۰۳) برای شناسایی مفهوم‌های مجزای یک حرف اضافه دو معیار زیر را پیشنهاد می‌دهند:

الف. یک مفهوم مجزا باید در بردارنده معنایی افزون بر معناهای دیگر مفاهیم در پیوند با آن واحد واژگانی باشد. در مورد حروف اضافه، این مفهوم مجزا باید دارای معنای غیرفضایی باشد یا پیکربندی فضایی متفاوتی را میان LM و TR نشان دهد.

ب. یک مفهوم مجزا نباید از مفاهیم دیگر و یا از بافت برداشت شود؛ یعنی به بافت وابسته نباشد (Tyler & Evans, 2003: 42-45).

یک مفهوم برای اینکه به عنوان یک مفهوم مجزا دانسته شود، باید هر دو معیار بالا را داشته باشد. برای روشن شدن مطلب، دو جمله زیر را با هم می‌سنجیم:

الف. جان تخته را با میخ روی سوراخ سقف کوبید.

ب. جان تخته را با میخ روی سوراخ دیوار کوبید.

در دو جمله بالا، پیکربندی فضایی میان TR (تخته) و LM (سقف و دیوار) متفاوت است. در «الف»، رابطه میان TR و LM افقی است؛ اما در «ب» عمودی است. در هر دو پیکربندی بالا، تخته سوراخ را پوشانیده و آن را ازدید پنهان کرده است و این مفهوم «پوشاندگی» یک مفهوم اضافی به‌شمار می‌آید. حال باید دید که آیا معیار دوم هم برآورده می‌شود یا نه؛ یعنی آیا مفهوم «پوشاندگی» از بافت برداشت می‌شود یا نه. در «الف»، رابطه فضایی میان TR و LM با «زیر» رمزگذاری می‌شود («تخته زیر سوراخ سقف است»); اما در «ب»، این رابطه با «بغل، کنار» رمزگذاری می‌شود («تخته بغل سوراخ دیوار است»). به این ترتیب، هیچ ابزار بافتی برای اینکه مفهوم «پوشاندگی» از آن برداشت شود، وجود ندارد. پس «روی» در دو جمله بالا هم دارای معنای اضافی است و هم این معنا به بافت وابسته نیست. در نتیجه، مفهوم «پوشاندگی» باید یک مفهوم مجزا برای «روی» به‌شمار رود (Tyler & Evans, 2003: 43-44).



۲-۳. شناسایی معنای اولیه

تایلر و ایوانز (۲۰۰۱، ۲۰۰۳) برای شناسایی معنای اولیه یک حرف اضافه، روش پیشنهادی خود را بر پایه دو گونه شواهد زبانی و تجربی ارائه کرده‌اند (Ibid: 47-50). معیارهای متکی بر شواهد زبانی برای شناسایی معنای اولیه عبارتند از:

الف. نخستین معنای تأییدشده: کهن‌ترین معنای یک حرف اضافه از دید تاریخی را می‌توان معنای اولیه آن دانست.

ب. برتری و چیرگی در شبکه معنایی: ردپای معنای اولیه یک حرف اضافه در بسیاری از معناهای مجزای دیگر آن یافت می‌شود.

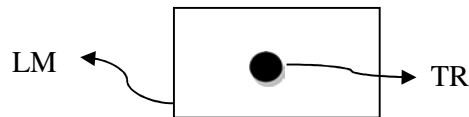
ج. کاربرد در ساخت‌های ترکیبی: هنگامی که یک حرف اضافه در ساخت‌های ترکیبی به‌کار می‌رود، مفهوم‌هایی از آن برداشت می‌شود. اگر مفهومی از یک حرف اضافه در ساخت‌های ترکیبی یافت نشود، نمی‌توان آن را مفهوم اولیه دانست.

د. ارتباط با عناصر مکانی دیگر: معمولاً حروف اضافه ابعاد فضا را به قسمت‌هایی تقسیم می‌کنند. برای نمونه، چهار حرف اضافه above, over, under و below بُعد عمودی فضا را به چهار قسمت تقسیم می‌کنند و با هم یک مجموعه تقابلی را می‌سازند. آن مفهوم از یک حرف اضافه که در ساخت مجموعه تقابلی با حروف اضافه دیگر شرکت دارد می‌تواند یک گزینه احتمالی برای مفهوم اولیه باشد.

ه. پیش‌بینی دستوری: گزینش مفهوم اولیه ممکن است که ما را به پیش‌بینی‌های دستوری آزمایش-پذیر برساند؛ زیرا مفهوم اولیه یک حرف اضافه در بافت‌های جمله‌ای ویژه ممکن است که معنای جدید بپذیرد و گسترش معنایی آن حرف اضافه را در پی داشته باشد.

ایوانز و گرین^{۲۱} معیارهای بالا را به‌گونه‌ای دیگر و در چهار مورد نام برده‌اند که عبارت‌اند از: الف. نخستین معنای تأییدشده؛ ب. برتری و چیرگی در شبکه معنایی؛ ج. ارتباط با حروف اضافه دیگر و د. سادگی پیش‌بینی گسترش معنایی (Evans & Green, 2006: 344-345).

یک مفهوم در پیوند با حروف اضافه که تایلر و ایوانز (Tyler & Evans, 2003: 50-53) مطرح کرده‌اند، مفهوم پیش‌نما^{۲۲} است. پیش‌نما نمای فضایی^{۲۳} است که معنای اولیه یک حرف اضافه آن را به تصویر می‌کشد. نمای فضایی یک باز نمود انتزاعی از پیکربندی فضایی- فیزیکی جهان راستین است که آدمی در ذهن آن را می‌آفریند و پردازش می‌کند. نماهای فضایی را می‌توان به‌کمک نمودار رسم کرد. برای نمونه، پیش‌نمای in در جمله The convict is in his cell (مجرم داخل سلولش است)، به‌صورت زیر نشان داده می‌شود:



شکل ۱: پیش‌نمای حرف‌اضافه in

Figure 1: The proto-scene for the preposition “in”
(Tyler & Evans, 2003: 52)

۴. بررسی معنایی حروف اضافه کردی

در این بخش، به کمک الگوی چندمعنایی سامان‌مند، سه حرف اضافه wæł, ta و æra را بررسی می‌کنیم. در این راستا، نخست معناهای گوناگون هریک از آن‌ها را به همراه مثال‌هایی بیان و واکاوی می‌کنیم، سپس بر پایه معیارهای پیشنهادی تایلر و ایوانز (۲۰۰۱، ۲۰۰۳)، معناهای مجزا و معنای اولیه هریک از حروف اضافه را شناسایی و در پایان شبکه معنایی آن‌ها را رسم می‌نماییم.

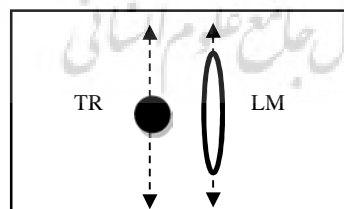
۴-۱. حرف اضافه wæł

wæł یکی از حروف اضافه گورانی است که دارای معناها و کاربردهای گوناگونی است. برای بررسی چندمعنایی این حرف اضافه، هریک از معناهای آن را جداگانه بیان و سپس واکاوی می‌کنیم.

۴-۱-۱. معناهای مجزا

۱. همراهی

یکی از معناهای wæł برای بیان «همراهی و درکنار هم بودن» است. در این حالت، این حرف اضافه نمای فضایی را نشان می‌دهد که TR و LM در همراهی هم قرار دارند.



شکل ۲: نمای فضایی مفهوم «همراهی» حرف اضافه wæł

Figure 2: Spatial scene of the “companionship” concept for the preposition “wæł”



این معنای wæl در جمله‌هایی مانند ۱ و ۲ دیده می‌شود:

1. men wæl hamed-a fʃem æra bazar.

بازار برای می‌روم حامد همراه من

«من همراه حامد می‌روم بازار».

2. wæl ki-a hatit?

آمدی کی همراه

«همراه (با) کی آمدی؟».

در جمله ۱، «من» TR و «حامد» LM است که در همراهی هم هستند. در جمله ۲، مخاطب جمله TR

است و «کی» که مرجع نامشخص دارد، LM است.

۲. ارتباط

یکی از کاربردهای حرف اضافه wæl برای بیان هرگونه ارتباط میان دو کس یا دو چیز است. مفهوم «ارتباط و پیوند» با معنای «همراهی و هم‌کناری» بسیار نزدیک است و حاصل گسترش معنایی آن است؛ زیرا در ارتباط میان دو کس یا چیز، گویی آن دو با هم همراه می‌شوند و درکنار هم قرار می‌گیرند (هرچند این ارتباط انتزاعی باشد). نمونه‌های زیر نشانگر این مفهوم است:

3. i ræŋ-æ wæl æw ræŋ-a naxwæne.

نمی‌خواند رنگ آن با رنگ این

«این رنگ با اون رنگ نمی‌خواند».

4. wæl hamed-a qar kerdemæ.

کرده‌ام قهر حامد با

«با حامد قهر کرده‌ام».

جمله ۳ ارتباط میان دو رنگ را بیان می‌کند و جمله ۴ به ارتباط میان دو کس اشاره دارد.

۳. همکاری و یاری

یکی دیگر از معنای wæl که با معنای «همراهی» که پیش‌تر آن را بررسی کردیم پیوندی آشکار دارد، مفهوم «کمک، همکاری و یاری» است. جمله‌های زیر گویای این معنا هستند:

5. wæl hamed-a æspaw-æk-an mærzanim.

مرتب کردیم جمع-معرفه-اسباب حامد با

«باکمک حامد اسباب‌ها را مرتب کردیم».

6. wæl bawek-em-a maʃin-ækæ ʃurdim.

شستیم معرفه-ماشین م-پدر با

«باکمک پدرم ماشین را شستیم».

از جمله ۵ این معنا برداشت می‌شود که «گوینده با کمک و همکاری حامد اسباب‌ها را مرتب کرده است»

و در جمله ۶ «با کمک و یاری پدر کار شستن ماشین انجام شده است». دلیل ارتباط این معنای wæl با معنای «همراهی» این است که برای کمک کردن به کسی، باید با او همراه شد و درکنار او قرار گرفت.

۴. درباره، درمورد

معنای دیگری که از حرف اضافه wæl می‌توان دریافت، معنای «درباره و درمورد» است.

7. ʃæ kæi wæl dærs-æjl-t-a?

ت-جمع-درس با می‌کنی چه

«با درس‌هایت چه می‌کنی؟».

در جمله ۷، از حرف اضافه wæl مفهوم «درباره، درمورد» برداشت می‌شود؛ یعنی «درباره یا درمورد درس‌هایت چه کار می‌کنی؟».

۵. ابزار و وسیله

مفهوم «ابزار و وسیله انجام کار» از دیگر مفهوم‌هایی است که wæl از خود نشان می‌دهد.

8. wæl haʃæ-r-a piʃ-ækæ waz kerdem.

کردم باز معرفه-پیچ آچار به وسیله

«به وسیله آچار پیچ را باز کردم».

wæl در جمله ۸ به ابزار و وسیله‌ای اشاره دارد که «عمل باز کردن پیچ» با آن انجام شده است.

۶. مقابله

گاهی حرف اضافه wæl مفهوم «رویاری و مقابله» را می‌رساند. در این حالت، مسیریما و مرزنا درکنار هم، اما رودروی هم قرار می‌گیرند و با هم مقابله می‌کنند؛ مانند جمله زیر:

9. gelara wæl næsrin-a kerdæ jæŋ.

جنگ کرد نسرین با گلاره

«گلاره با نسرین دعوا کرد».

در جمله ۹، حرف اضافه wæl مفهوم «رویاری و تقابل میان گلاره و نسرین برای دعوا کردن» را بیان می‌کند.

۷. مقایسه و سنجش

wæl در برخی کاربردهایش، به مفهوم «مقایسه و سنجش» به‌کار می‌رود. این مفهوم نیز با معنای «همراهی» این حرف اضافه ارتباط دارد؛ زیرا هنگامی که دو یا چند کس یا چیز را با هم مقایسه می‌کنیم، آن‌ها را درکنار هم قرار می‌دهیم و می‌سنجیم. جمله زیر گویای این مفهوم است:

10. men wæl xwæt-a mækæ jæki.

یکی نکن خودت با من

«من را با خودت مقایسه نکن».



معنایی که از wæl در جمله ۱۰ دریافت می‌شود، این است که این حرف اضافه «من» و «خودت» را کنار هم قرار داده تا امکان مقایسه و سنجش میان آن‌ها را فراهم آورد.

۸. دارندگی

«داشتن و برخورداری» یکی دیگر از معناهای حرف اضافه wæl است. در این مفهوم نیز، پیوند با معنای «همراهی» این حرف اضافه به خوبی دیده می‌شود؛ زیرا هنگامی که کسی چیزی را دارد، گویی آن چیز درکنار و همراه اوست.

11. wæl i hæmkæ pyl-a de:ræ, xwæf wæ pē nagozære!

نمی‌گذرد ش به خوش دارد پول همه این با

«با داشتن این همه پول، بهش خوش نمی‌گذرد!».

در جمله ۱۱، حرف اضافه wæl نشان‌دهنده «داشتن و برخورداری بودن از پول و ثروت» است.

۹. معاوضه و ازاء

مفهوم «برابر نهادن و معاوضه» از مفاهیم دیگر wæl است. هنگامی که می‌خواهیم دو چیز را با هم معاوضه کنیم، باید نخست آن‌ها را کنار هم قرار دهیم و بسنجیم؛ از این رو، این مفهوم را نیز می‌توان به سادگی با معنای «همراهی» wæl مرتبط دانست.

12. wæl i pyl-a nawet ffeft xase bese:ni.

بخری خوبی چیز نمی‌شود پول این درعوض

«با (درعوض) این پول نمی‌شود چیز خوبی بخری».

در جمله ۱۲، wæl به سادگی با «درعوض، در برابر یا در قبال» جایگزین می‌شود.

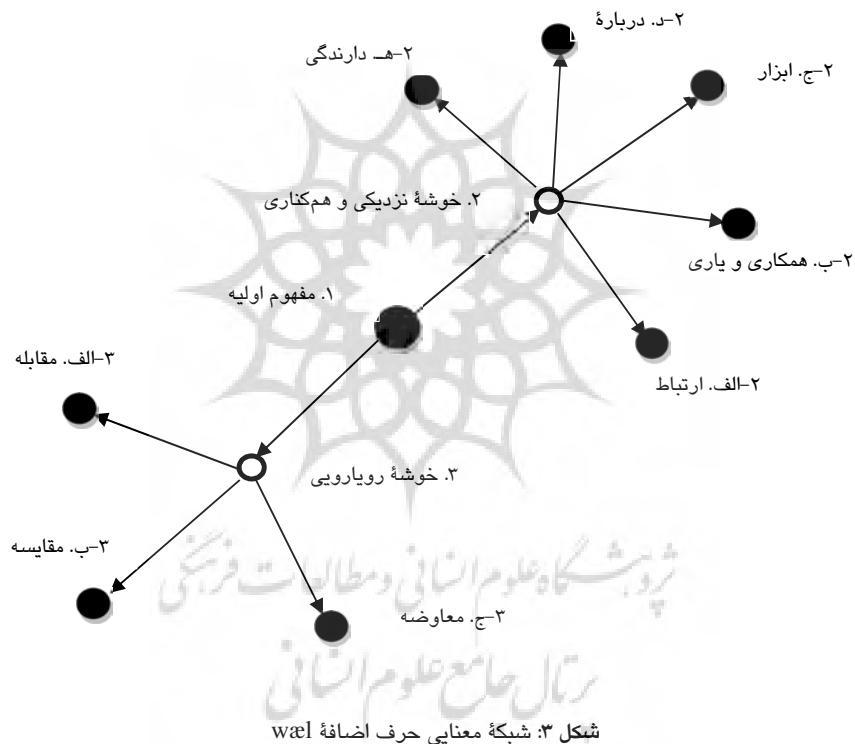
۲-۱-۴. معنای اولیه

چنانکه در لابه‌لای بررسی معناهای مجزای wæl گفتیم، بیشتر معناهای مجزای این حرف اضافه با معنای «همراهی» پیوند نزدیکی دارند. معنای «همراهی» نخستین معنایی بود که برای این حرف اضافه برشمردیم و بررسی کردیم، در بخش سوم، گفتیم که یکی از معیارهای شناسایی معنای اولیه یک حرف اضافه، «برتری و چیرگی در شبکه معنایی» است؛ یعنی باید ردپای معنای اولیه در بیشتر معناهای مجزای آن حرف اضافه یافت شود. بر این پایه، معنای «همراهی» معنای اولیه حرف اضافه wæl به شمار می‌آید. نمای فضایی آن را در شکل ۲ ارائه کرده‌ایم.

۳-۱-۴. شبکه معنایی

گفتیم که معنای اولیه حرف اضافه wæl «همراهی» است. این حرف اضافه هشت معنای مجزای دیگر نیز دارد که برپایه میزان نزدیکی و ارتباط معنایی، می‌توانیم آن‌ها را در دو خوشه معنایی مجزا دسته-

بندی کنیم. معناهای «ارتباط»، «همکاری و یاری»، «دربارۀ»، «ابزار و وسیله» و «دارندگی» به دلیل ارتباط معنایی نزدیکی که با هم دارند، در یک خوشه معنایی به نام «خوشه نزدیکی و هم‌کناری» قرار می‌گیرند. سه معنای دیگر، یعنی «مقابلۀ»، «مقایسه» و «معاوضه» نیز به دلیل ارتباط معنایی نزدیک با یکدیگر، در یک خوشه معنایی به نام «خوشه رویارویی» دسته‌بندی می‌شوند. به این ترتیب، در شبکه معنایی حرف اضافه wæɪ، معنای «همراهی» به عنوان معنای اولیه و کانونی، در مرکز جای می‌گیرد و دو خوشه معنایی «نزدیکی و هم‌کناری» و «رویارویی» مستقیم به معنای اولیه پیوند می‌خورند. شبکه معنایی wæɪ را در شکل ۳ می‌بینیم.



شکل ۳: شبکه معنایی حرف اضافه wæɪ

Figure 3: The semantic network for the preposition “wæɪ”

۲-۴. حرف اضافه ta

حرف اضافه ta یکی دیگر از حروف اضافه گورانی است که بررسی چندمعنایی آن با رویکرد شناختی،

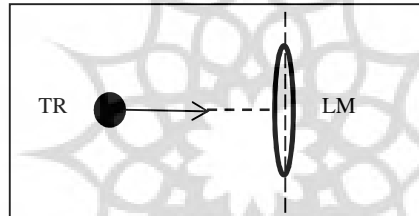
در شناخت هرچه بیشتر این حرف اضافه و شناسایی معناهای مجزا و شبکه معنایی آن ممکن است راهگشا باشد.

۱-۲-۴. معناهای مجزا

نخست معناهای مجزای ta را شناسایی و واکاوی می‌کنیم و سپس معنای اولیه و شبکه معنایی آن را بررسی می‌نماییم.

۱. پایان مکان یا زمان

یکی از معناهای حرف اضافه ta برای نشان دادن «پایان مکان، زمان یا هرچیز دیگر» است. در این مفهوم، مسیریما (TR) به سوی مرزنا (LM) حرکت می‌کند و مرزنا نقطه پایان و مقصد مسیریما به‌شمار می‌آید. شکل ۴ این رابطه فضایی میان TR و LM را نشان می‌دهد.



شکل ۴: نمای فضایی مفهوم «پایان» حرف اضافه ta

Figure 4: Spatial scene of the “ending” concept for the preposition “ta”

13. ta maŋ wæ pa hatem-æ.

ام-آمده پا با خانه تا

«تا خانه پیاده آمده‌ام».

14. ta fæwæki dærs xwænim-æ.

ام-خوانده‌ام درس صبح تا

«تا صبح درس خوانده‌ام».

در جمله ۱۳، ta نقطه پایان مکانی یک رخداد، یعنی «پیاده روی کردن» را نشان می‌دهد. در جمله ۱۴، نقطه پایان زمانی یک روند، یعنی «درس خواندن» را بیان می‌کند.

۲. بازه زمان

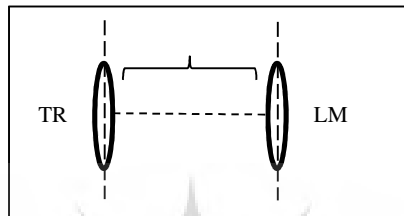
بیان «بازه و فاصله زمانی» یکی دیگر از معناهای ta است. در این حالت، واژه پیش و پس از ta اسمی است که به زمان اشاره دارد (سال، ماه، هفته و ...) و ta به فاصله زمانی اشاره دارد؛ مانند جمله

زیر:

15. saʔ ta saʔ naynimæ-t!
ت-نمی‌بینیم سال تا سال

«سال به سال شما را نمی‌بینیم».

از جمله بالا این مفهوم برداشت می‌شود که «در بازه زمانی به اندازه یک سال شما را نمی‌بینیم». در شکل زیر، طرحواره انگاره‌ای این مفهوم ta را می‌بینیم:



شکل ۵: طرحواره انگاره‌ای مفهوم «بازه زمان» حرف اضافه ta

Figure 5: The "time span" schema for the preposition "ta"

۳. سنجش

«سنجش و مقایسه» یکی دیگر از معانی ta است. حرف اضافه ta می‌تواند برای انجام مقایسه میان دو چیز یا دو کس به کار رود و در این صورت، همواره با صفت تفضیلی همراه می‌شود و معادل «از» فارسی است.

16. ijæ xaster-æ ta æwæ.
آن تا است-بهرتر این

«این از آن بهتر است».

ta در جمله ۱۶ نشان‌دهنده سنجش و مقایسه میان دو چیز است. «این» با «آن» مقایسه شده و یکی از دیگری بهتر به‌شمار رفته است. چنانکه می‌بینیم، پیش از ta صفت تفضیلی «xaster» (بهتر) آمده است. همچنین، ta می‌تواند به‌طور خاص برای بیان «تفاوت و ناهمسانی» میان دو چیز یا کس به کار رود. از آنجا که این مفهوم نتیجه سنجش و مقایسه میان آن دو چیز/کس است، باید آن را به مفهوم «سنجش» و انشعاب‌یافته از آن وابسته بدانیم.

۳-الف. تفاوت و ناهمسانی

ta می‌تواند معنای «تفاوت و ناهمسانی» میان دو چیز/کس را بیان کند.

17. hawsa dirim ta hawsa.
همسایه تا داریم همسایه



«همسایه داریم تا همسایه».

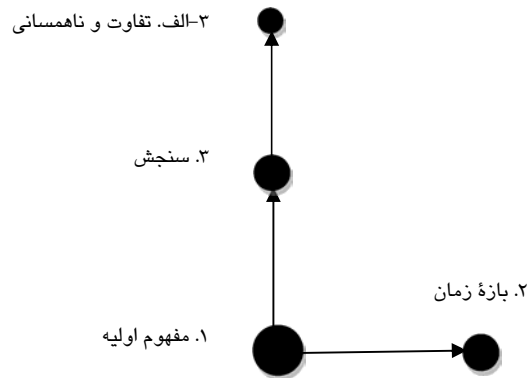
جمله ۱۷ رساننده این مفهوم است که «همسایه با همسایه فرق دارد و همه همسایه‌ها مانند هم نیستند».

۲-۲-۴. معنای اولیه

برای حرف اضافه ta، سه معنای مجزا را برشمردیم و بررسی کردیم. یکی از این معناها، یعنی «سنجش» معنای دیگری، یعنی «تفاوت و ناهمسانی» را نیز دربر دارد. از میان سه معنای مجزای حرف اضافه ta، معنای «پایان مکان، زمان یا امر» را باید معنای اولیه به‌شمار آوریم؛ زیرا برپایه معیار «برتری و چیرگی در شبکه معنایی» ردپای این معنا را می‌توانیم به‌گونه‌ای در دو معنای دیگر ta نیز ببابیم. «بازه زمان» به‌کمک دو نقطه زمانی آغاز و پایان تعریف می‌شود و فاصله میان این دو نقطه خودبه‌خود یک بازه را پدید می‌آورد؛ از این رو می‌توان گفت که ta در اینجا، هم نشانگر نقطه آغاز و هم نشانگر نقطه پایان است که روی هم‌رفته یک بازه زمانی را نشان می‌دهد. در مورد معنای «سنجش» نیز می‌توانیم استدلال کنیم که هنگامی که ما یک چیز را با چیز دیگر و از جهت یک ویژگی خاص می‌سنجیم، آن چیز دوم را که ملاک و معیار سنجش به‌شمار می‌آید، می‌توانیم حد پایان و انتهای آن ویژگی مورد سنجش بدانیم. یک معیار دیگر برای شناسایی معنای اولیه در الگوی چندمعنایی سامان‌مند، «ارتباط با حروف اضافه دیگر» است. برپایه این معیار، حرف اضافه ta در مفهوم «پایان و انتها» است که می‌تواند در نقطه مقابل حرف اضافه !x با مفهوم «آغاز و مبدأ» قرار گیرد و با آن در یک مجموعه تقابلی بنشیند؛ از این رو، این معیار نیز نشان می‌دهد که باید معنای «پایان» را به‌عنوان معنای اولیه ta بدانیم.

۲-۲-۳. شبکه معنایی

برپایه آنچه درباره ta گفتیم، این حرف اضافه دارای سه معنای مجزا است که از این میان، مفهوم «پایان مکان، زمان یا امر» را باید معنای اولیه آن بدانیم. معنای «سنجش» یک معنای منشعب نیز دارد که بیانگر «تفاوت و ناهمسانی» است و مستقیماً با آن پیوند می‌یابد. معنای «بازه زمان» نیز یک مفهوم مجزا است که مستقیماً به معنای اولیه پیوند می‌خورد. شکل ۶ شبکه معنایی حرف اضافه ta را نشان می‌دهد.



شکل ۶: شبکه معنایی حرف اضافه ta

Figure 6: The semantic network for the preposition "ta"

۴-۳. حرف اضافه æra

فرجامین حرف اضافه کردی گورانی که در اینجا بررسی می‌کنیم، حرف اضافه æra است. این حرف اضافه نیز مانند حروف اضافه گورانی دیگر دارای چندین معنای گوناگون است که اکنون می‌خواهیم در چارچوب الگوی چندمعنایی سامان‌مند، آن‌ها را بررسی کنیم. نخست معناهای مجزای این حرف اضافه را شناسایی و واکاوی می‌کنیم.

۴-۳-۱. معناهای مجزا

۱. برای، به‌خاطر

یکی از معناهای حرف اضافه æra معنای «برای و به‌خاطر» است.

18. jæ ʃæft æra haməd sændem.

خریدم حامد برای چیز یک

«چیزی برای حامد خریدم».

19. i ketaw-æ æra ki bæit?

می‌بری کی برای کتاب این

«این کتاب را برای کی می‌بری؟».

در جمله ۱۸، «عمل خریدن» برای «حامد» و به‌خاطر او انجام شده است. در جمله ۱۹، پرسش این است که «عمل بردن کتاب» برای چه کسی و به‌خاطر چه کسی انجام شده است.

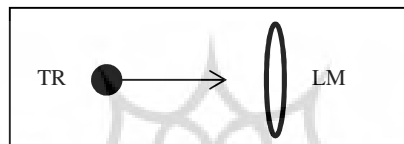
۲. جهت‌گیری و گرایش



«جهت‌گیری و گرایش» خوشه‌ای معنایی است که سه مفهوم مجزا را دربر می‌گیرد. در این خوشه معنایی، حرف اضافه æra نشانگر یک رابطه فضایی میان TR و LM است؛ به‌گونه‌ای که TR به‌سوی LM گرایش دارد و به‌سوی آن جهت‌گیری می‌کند. معنایی که در این خوشه معنایی جای می‌گیرند، عبارت‌اند از: «به، به‌سوی»، «به‌دنبال، درپی» و «درباره، درمورد» که اینک تک‌تک آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

۲-الف. به، به‌سوی

مفهوم «به، به‌سوی» یکی از مفهوم‌های حرف اضافه æra است. در نمای فضایی که این مفهوم æra از خود نشان می‌دهد، TR به‌سوی LM در حرکت است که در شکل ۷ دیده می‌شود.



شکل ۷: نمای فضایی مفهوم «به، به‌سوی» حرف اضافه æra

Figure 7: Spatial scene of the “toward” concept for the preposition “æra”

20. tʃem æra mal.

خانه به می‌روم

«به (سوی) خانه می‌روم».

21. dæs berd æra kif-ækæ-m.

م-معرفه-کیف به برد دست

«دست برد به‌سوی کیف».

در جمله ۲۰، «شخص گوینده» که همان TR است، به‌سمت «خانه» که همان LM است، می‌رود. جمله ۲۱ نمایانگر حرکت «دست» (TR) به‌سوی «کیف» (LM) است.

۲-ب. به‌دنبال، درپی

دومین معنایی که در خوشه معنایی «جهت‌گیری و گرایش» قرار می‌گیرد، معنای «به‌دنبال، درپی» است. نخست نگاهی به نمونه‌های زیر می‌افکنیم:

22. æra tʃæ tʃæw dæi?

زدن چشم چه به‌دنبال

«به‌دنبال چه می‌گردی؟».

23. æra kif-ækæ-m geft mał-ækæ weʃkanem.

جست‌وجو کردم معرفه-خانه همه م-معرفه-کیف به‌دنبال

«به‌دنبال کیف همه خانه را جست‌وجو کردم».

در نمای فضای ترسیم‌شده در دو جمله بالا، TR به‌دنبال LM می‌گردد و در پی یافتن آن و رسیدن به آن است. اگر بخواهیم این نمای فضایی را رسم کنیم، چیزی می‌شود همانند آنچه در شکل ۷ آمده است. معنایی که در اینجا به‌عنوان معنای اضافی در برابر معنای دیگر æra به‌شمار می‌رود، معنای «جست‌وجو و کاوش کردن» است که سبب می‌شود آن را یک مفهوم مجزا، اما مرتبط با دیگر مفهوم-های این حرف اضافه بدانیم.

۲-ج. درباره، درمورد

سومین مفهوم در خوشه معنایی «جهت‌گیری و گرایش»، معنای «درباره و درمورد» است که کاربرد آن در جمله‌های زیر دیده می‌شود:

24. bajæd æra i moʃkæl-æ ja fekre bekæim.

بکنیم فکری یک مشکل این برای باید

«باید برای این مشکل فکری بکنیم».

25. bæw ta æra æw karæ rawiz bekæim.

بکنیم مشورت کار آن درباره تا بیا

«بیا تا درباره آن کار مشورت کنیم».

در دو جمله ۲۴ و ۲۵، به «فکر کردن درباره مشکل» و «مشورت کردن درمورد کار» اشاره شده است. دلیل قرار دادن این معنا در خوشه معنایی «جهت‌گیری و گرایش» این است که هنگامی که ما درباره چیزی یا کسی می‌خواهیم کاری را انجام دهیم، خودبه‌خود به‌سوی آن چیز یا کس گرایش، توجه و جهت‌گیری کرده‌ایم.

۲-۳-۴. معنای اولیه

در بررسی معناهای حرف اضافه æra، چهار معنای مجزا را شناسایی کردیم که سه معنا به‌دلیل ارتباط بسیار نزدیکی که با هم داشتند، در یک خوشه معنایی با نام «جهت‌گیری و گرایش» قرار گرفتند. در هر سه معنای موجود در خوشه «جهت‌گیری و گرایش»، ردپای معنای «برای و به‌خاطر» دیده می‌شود. مفهوم‌های «به‌سوی»، «به‌دنبال» و «درباره» به‌گونه‌ای مفهوم «برای» را در خود نهفته دارند و این معیاری است که نشان می‌دهد این مفهوم گزینه خوبی برای مفهوم اولیه است.

در کردی گورانی، برای پرسش کردن درمورد علت انجام یک کار یا رخداد، از پرسش‌واژه æra استفاده می‌شود. برای نمونه، گفته می‌شود:



26. æra dærs naxwæni?

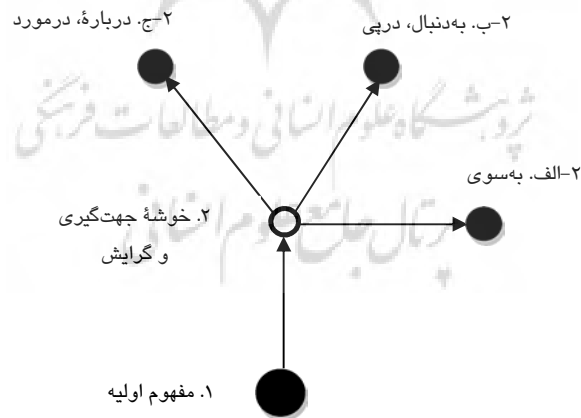
نمی‌خوانی درس چرا

«چرا درس نمی‌خوانی؟».

همان‌گونه که در جمله ۲۶ آشکار است، æra به معنای «چرا» و با هدف پرسش درباره علت به کار می‌رود. نزدیک‌ترین مفهوم درمیان چهار مفهومی که در بالا برای حرف اضافه æra برشمردیم، مفهوم «برای، به خاطر» است؛ زیرا می‌توان جمله بالا را این‌گونه نیز بیان کرد که «برای چه یا به خاطر چه درس نمی‌خوانی؟». این موضوع نیز دلیل دیگری برای برگزیدن معنای «برای، به خاطر» به عنوان معنای اولیه حرف اضافه æra است. برای معنای پیش‌نمونه حرف اضافه æra، نمای فضایی ترسیم نشده است؛ زیرا معنای اولیه این حرف اضافه برخلاف دو حرف اضافه wæl و ta، معنایی انتزاعی است، نه یک معنای فضایی^{۲۴} یا مکانی.

۳-۳-۴. شبکه معنایی

تاکنون معنای اولیه و معناهای مجزای حرف اضافه æra را شناختیم و نشان دادیم که به جز معنای اولیه، معناهای دیگر آن را باید در یک خوشه معنایی با نام «جهت‌گیری و گرایش» جای دهیم. به این ترتیب، شبکه معنایی æra به شکل زیر درمی‌آید که در آن، مفهوم «برای و به خاطر» در کانون شبکه معنایی می‌نشیند و سه معنای مجزای دیگر در قالب یک خوشه معنایی به مفهوم اولیه پیوند می‌خورند.



شکل ۸: شبکه معنایی حرف اضافه æra

Figure 8: The semantic network for the preposition “æra”

۵. نتیجه‌گیری

تا جایی که اطلاع داریم، این پژوهش نخستین پژوهشی است که در آن، شبکه معنایی حروف اضافه کردی در چارچوب معناشناسی شناختی بررسی شده است و از این رو، کاری نو و بی‌سابقه به‌شمار می‌آید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که مفهوم اولیه حرف اضافه wæɬ «همراهی» است، مفهوم اولیه ta «پایان» است و مفهوم اولیه æfa «برای و به‌خاطر» است. همچنین، روشن شد که الگوی چندمعنایی سامان‌مند و معیارهایی که در این الگو برای شناسایی مفهوم‌های مجزا، مفهوم اولیه حروف اضافه درک شیوه پیوند میان این مفاهیم پیشنهاد شده‌اند، از کارایی بسیاری در واکاوی معنایی حروف اضافه برخوردارند. همچنین، از آنجا که ثابت شده است رویکرد شناختی به حروف اضافه و بهره‌گیری از ابزارهایی همچون شبکه معنایی در نمایش چندمعنایی آن‌ها می‌تواند در امر آموزش این واژه‌ها به زبان‌آموزان بسیار سودمند و کارآمد باشد (نک: گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۵ و ۲۰۱۰)، یکی از کاربردها و ارزش‌های یافته‌های این پژوهش، کمک به آموزش و یادگیری حروف اضافه کردی گورانی برای علاقه‌مندان به این گویش است. این پژوهش سنگ‌بنایی برای انجام پژوهش‌های مشابه در گویش‌های دیگر زبان کردی نیز به‌شمار می‌رود.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. Principled Polysemy Model
2. Tyler, A. & Evans, V.
3. distinct senses
4. cluster of senses
5. polysemy
6. Barcelona, A. & J. Valenzuela
7. monosemy
8. homonymy
9. radial structure
10. metonymy
11. full specification
12. Lakoff, G.
13. partial specification
14. Kreitzer, A.
15. trajector
16. landmark
17. Langacker, R.W.
18. Talmy, L.
19. ground
20. figure
21. Evans, V. & M. Green
22. proto-scene



23. spatial scene

24. spatial

۷. منابع

- بامشادی، پارسا و شادی انصاریان (زیر چاپ). «چندمعنایی حرف «تا» در چارچوب معناشناسی شناختی». مجموعه مقالات نخستین همایش معنی‌شناسی و نحو زبان‌های ایرانی.
- راسخ‌مهند، محمد و نفیسه رنجبر ضرابی (۱۳۹۲). «بررسی شبکه معنایی حروف اضافه «در» و «سر»». پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی. س ۳. ش ۵. صص ۹۵-۱۱۱.
- زاهدی، کیوان و عاطفه محمدی زیارتی (۱۳۹۰). «شبکه معنایی حرف اضافه فارسی «از» در چارچوب معنی‌شناسی شناختی». تازه‌های علوم شناختی. س ۱۳. ش ۱. صص ۶۷-۸۰.
- سراجیان اردستانی، مهدخت (۱۳۸۸). بررسی معنایی حروف اضافه در فارسی در قالب نظریه معناشناسی شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- _____ (۱۳۸۹). «بررسی چندمعنایی حرف اضافه «از» در قالب نظریه معنی‌شناسی شناختی». بایزند. ش ۲۳. صص ۴۵-۶۳.
- گلفام، ارسلان و فاطمه یوسفی‌راد (۱۳۸۵). «رویکرد معناشناسی شناختی به حروف اضافه مکانی زبان فارسی از منظر آموزشی، مطالعه موردی: حرف اضافه «در»». نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان. س ۱۴. ش ۵۶. صص ۱۶۷-۱۷۹.
- گلفام، ارسلان؛ مصطفی عاصی؛ فردوس آقاگل‌زاده و فاطمه یوسفی‌راد (۱۳۸۸). «بررسی حرف اضافه «از» در چارچوب معناشناسی شناختی و مقایسه آن با رویکرد سنتی». زبان و زبان‌شناسی. ش ۲ (پیاپی ۱۰). صص ۶۹-۸۰.
- مختاری، شهره و حدائق رضایی (۱۳۹۲). «بررسی شناختی شبکه معنایی حرف اضافه «با» در زبان فارسی». زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. ش ۹. صص ۷۳-۹۴.

References:

- Bamshadi, P. and Ansarian, Sh. (2014). "The Polysemy of Preposition "ta" within the Framework of Cognitive Semantics". *Proceedings of 1st conference on semantics and syntax of Iranian Languages*. University of Tehran. Tehran, Iran. Pp. 75-92. [In Persian].
- Barcelona, A. & J. Valenzuela (2011). "An overview of cognitive linguistics". In Mario

- Brdar, Stefan Th. Gries & Milena Žic Fuchs (Eds.), *Cognitive Linguistics Convergence and Expansion* (pp. 17-44). Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Evans, V. & A. Tyler (2004a). "Rethinking English prepositions of movement: The case of To and Through". *Belgian Journal of Linguistics*. 18. Pp. 247–270.
 - ----- (2004b). "Spatial experience, lexical structure and motivation: the case of in". In G. Radden and K. Panther (eds.). *Studies in Linguistic Motivation*. Pp. 157–192. Berlin: Mouton de Gruyter,.
 - Evans, V. & M. Green (2006). *An introduction to Cognitive Linguistics*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
 - Evans, V. (2004). *The Structure of Time: Language, Meaning and Temporal Cognition*. Amsterdam: John Benjamins.
 - ----- (2005). "The meaning of time: Polysemy, the lexicon and conceptual structure". *Journal of Linguistics*. 41. Pp. 33-75.
 - ----- (2006). *The Structure of Time*. Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins.
 - Golfam, A. & F. Yousefi Rad (2010). "A cognitive semantic approach to Persian spatial prepositions, a pedagogical perspective, Case Study: Persian Preposition /dær/". *Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji*. 56. Pp. 167-179.
 - ----- (2006). "Cognitive semantics approach to spatial prepositions of persian from an educational perspective: A case study of preposition *dær*". *Pazhooresh-e Adabiyat-e Moaser-e Jahan*. 14 (56). Pp. 167-179. [In Persian].
 - Golfam, A.; M. Asi; F. Aghagolzadeh & F. Yousefirad (2009). "A study of preposition *æz* within the framework of cognitive semantics and its comparison to traditional approach". *Zaban va Zabanshenasi*. 2 (10). Pp. 69-80. [In Persian].
 - Kreitzer, A. (1997). "Multiple levels of schematization: A study in the conceptualization of space". *Cognitive Linguistics*. 8(4). Pp. 291–325.
 - Lakoff, G. (1987). *Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal About the Mind*. Chicago: University of Chicago Press.
 - Langacker, R.W. (1983). "Remarks on English aspect". In Hopper P. (ed.). *Tense and Aspect: Between Semantics and Pragmatics*. Pp. 265–304. Amsterdam: Benjamins.
 - ----- (1987). *Foundations of Cognitive Grammar (Volume 1)*. Stanford: Stanford



University Press.

- ----- (2008). *Cognitive Grammar: A Basic Introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Mokhtari, Sh. & H. Rezayi (2013). "Analyzing semantic network of persian preposition *ba*". *Zabanshenasi va Gooyeshha-ye Khorasan*. 9. Pp. 73-94. [In Persian].
- Rasekhmahand, M. & N. Ranjbar Zarrabi (2013). "The analysis of semantic network of prepositions *dær* and *sær*". *Comparative Language and Literature Research*. 3 (5). Pp. 95-111. [In Persian].
- Riemer, N. (2005). *The Semantics of Polysemy*. Berlin & New York: Mouton de Gruyter.
- Serajian Ardestani, M. (2009). *Semantic Analysis of Persian Prepositions within the Framework of Cognitive Semantics Theory*. M.A. Thesis of Linguistics, Islamic Azad University of Tehran Markaz, Tehran. [In Persian].
- Serajian Ardestani, M. (2010). "A study of polysemy of preposition *æz* within the framework of cognitive semantics theory". *Pazand*. 23. Pp. 45-63. [In Persian].
- Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics (2 vols)*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Tyler, A. & V. Evans (2001). "Reconsidering prepositional polysemy networks: The case of over". In V. Evans, B. Bergen, and J. Zinken (Eds.), *The Cognitive Linguistics Reader*. Pp. 186-238. London: Equinox.
- ----- (2003). *The Semantics of English Prepositions: Spatial Scenes, Embodied Meaning and Cognition*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Zahedi, K. & A. Mohammadi Ziyarati (2011). "Semantic network of preposition *æz* within the framework of cognitive semantics". *Tazehha-ye Olum-e Shenakhti*. 13 (1). Pp. 67-80. [In Persian].